

غرامت هزار میلیارد دلاری جنگ تحمیلی، معماری راهبردی همکاری‌های فراگیر ایران و عراق

امیر حسین خدائی - پژوهشگر

بازخوانی یک حقیقت حقوقی در بوته تاریخ

جنگ تحمیلی عراق علیه ایران (۱۳۵۹-۱۳۶۷) به‌عنوان یکی از طولانی‌ترین و ویران‌گرترین منازعات قرن بیستم، میراثی از خسارات جبران‌ناپذیر بر جای نهاد که تا امروز ادامه دارد. بر اساس بند ۶ قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت، دبیرکل وقت سازمان ملل موظف شد تا با استقرار هیأتی بی‌طرف، مسئولیت آغاز جنگ را تعیین کند. در دسامبر ۱۹۹۱، دبیرکل وقت، طی گزارشی رسمی به شورای امنیت، عراق را به‌عنوان آغازگر جنگ معرفی کرد.

متعاقب این گزارش، کارشناسان ارشد حقوق بین‌الملل و اقتصاددانان مستقل، بر اساس بازدید از مناطق آسیب‌دیده و بررسی اسناد، میزان خسارت مستقیم و غیرمستقیم وارده به ایران را بالغ بر هزار میلیارد دلار برآورد کرده‌اند. این عدد، نه یک ادعای ژورنالیستی یا خواسته‌ای آرمان‌خواهانه، بلکه برآیند یک پرونده حقوقی تکمیل‌شده و تثبیت‌شده است که بر اساس گزارش‌های رسمی سازمان ملل و پژوهش‌های دانشگاهی مستخرج از پایگاه‌های معتبر علمی مستند گردیده است. با این حال، دهه‌هاست که به‌دلیل مصلحت‌اندیشی یا ناتوانی در پیگیری راهبردی، استیفای این حق مسلم ملت ایران به‌تعویق افتاده است.

۱. معماری حقوقی پرونده، سنگ‌بنای هزار میلیارد دلاری

قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت که در ۲۰ ژوئیه ۱۹۸۷ (۲۹ تیر ۱۳۶۶) به تصویب رسید، نقطه عطفی در پایان‌بخشی به جنگ تحمیلی بود. این قطعنامه که بر اساس فصل هفتم منشور ملل متحد (فصل اقدام در برابر تهدید صلح) تدوین شد، در بندهای خود به موارد زیر تصریح داشت:

- آتش‌بس فوری و عقب‌نشینی به مرزهای بین‌المللی (بند ۱)
- آزادی و تبادل اسرای جنگی بر اساس کنوانسیون سوم ژنو (بند ۳)
- تشکیل هیأتی بی‌طرف برای تعیین مسئولیت جنگ (بند ۶)

پس از پذیرش این قطعنامه توسط ایران در ۱۷ ژوئیه ۱۹۸۸ (۲۶ تیر ۱۳۶۷) و متعاقباً توسط عراق، دبیرکل سازمان ملل در دسامبر ۱۹۹۱، در گزارشی مستند، عراق را مسئول آغاز جنگ معرفی کرد. این گزارش، ضمن تأکید بر تجاوز عراق به خاک ایران در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، خسارت‌های مستقیم و غیرمستقیم وارده به ایران را تفکیک و به‌عنوان مبنایی برای پیگیری حقوقی معرفی نمود.

هرچند قطعنامه ۵۹۸ سازوکار مستقیمی برای پرداخت غرامت پیش‌بینی نکرده بود، اما گزارش دبیرکل و تعیین مسئولیت حقوقی عراق، این امکان را فراهم آورد که ایران بتواند از طریق دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ)، کمیساریای حقوق بشر سازمان ملل و سایر مراجع بین‌المللی، طرح دعوی نماید. تجربه موفق کمیسیون جبران خسارت سازمان ملل (UNCC) که در پی جنگ خلیج فارس توانست بیش از ۵۲ میلیارد دلار غرامت از عراق وصول کند، نشان داد که سازوکارهای حقوقی بین‌المللی در صورت پیگیری مداوم، می‌توانند به‌نفع ایران نیز فعال شوند. تحقق این مطالبه، با ایجاد یک سابقه حقوقی و رویه قضایی، راه را برای سایر پرونده‌های حقوقی ایران (اعم از دعاوی در دیوان لاهه یا نهادهای داوری بین‌المللی) باز می‌کند و بازدارندگی پایدار در برابر تهدیدات آینده ایجاد می‌نماید.

۲. پنجره فرصت؛ چرا اکنون زمان اقدام است؟

تحولات اخیر منطقه‌ای یک پنجره فرصت استثنایی برای احیای پرونده غرامت گشوده است:

نخست، خروج تدریجی نیروهای نظامی آمریکا از عراق و کاهش نفوذ مستقیم واشنگتن در بغداد، فضای مانور بیشتری برای دیپلماسی اقتصادی ایران فراهم کرده است. اگرچه آمریکا همچنان بر درآمدهای نفتی عراق از طریق فدرال رزرو نیویورک تسلط دارد، اما عراق به‌دنبال تنوع‌بخشی به شرکای اقتصادی خود است.

دوم، امضای توافقنامه همکاری جامع ۲۱ ماده‌ای بین ایران و عراق در شهریور ۱۴۰۴ که حوزه‌های امنیتی، اقتصادی و مدیریت مرزی را پوشش می‌دهد، نشان از عزم دو کشور برای نهادینه‌سازی همکاری‌های پایدار

دارد. این توافقنامه که شامل همکاری در حمل و نقل ریلی، مدیریت پایانه‌های مرزی و تبادل الکترونیکی اطلاعات است، بستر مناسبی برای گنجاندن موضوع غرامت در قالب پروژه‌های مشترک فراهم می‌آورد.

سوم، تحرکات ضدایرانی در اربیل، ترور ناجوانمردانه سردار سلیمانی و مستشاران نظامی ایران، و همچنین تلاش‌های مکرر آمریکا برای قطع وابستگی انرژی عراق به ایران، همگی نشان می‌دهند که سکوت در برابر این حق تاریخی، هزینه‌های امنیتی سنگینی برای کشور به همراه داشته است. فعال‌سازی پرونده غرامت، به عنوان یک اهرم بازدارنده می‌تواند به جریانات مخالف در منطقه بفهماند که هرگونه اقدام خصمانه علیه ایران با هزینه‌های حقوقی و اقتصادی سنگینی همراه خواهد بود.

چهارم، نیاز مبرم عراق به سرمایه‌گذاری خارجی در زیرساخت‌های برق، نفت، حمل و نقل، پتروشیمی و کشاورزی، این کشور را به مذاکره و پذیرش مدل‌های نوین همکاری با ایران ترغیب می‌کند. هدف گذاری تجارت دوجانبه به ۵۰ میلیارد دلار در سال، نشان از عطش اقتصادی دو طرف برای تعمیق روابط دارد.

۳. تغییر پارادایم: از مطالبه نقدی به سرمایه‌گذاری راهبردی مشترک

واقعیت این است که وصول هزار میلیارد دلار به صورت نقدی از عراق، به دلایل متعدد از جمله سلطه آمریکا بر درآمدهای نفتی این کشور و کسری مزمن بودجه عراق، عملاً ناممکن است. راهکار هوشمندانه، تغییر پارادایم از دریافت پول نقد به مدیریت اعتبار و تهاتر استراتژیک است.

در این مدل، بدهی عراق به مثابه یک خط اعتباری عظیم برای تعریف و اجرای پروژه‌های زیربنایی مشترک در نظر گرفته می‌شود که منافع آن مستقیماً به هر دو ملت ایران و عراق می‌رسد. این رویکرد، ضمن تثبیت حق ایران، عراق را از فشار پرداخت نقدی رها کرده و آمریکا را که بر شریان‌های مالی و نفتی عراق سلطه دارد، در یک انفعال استراتژیک قرار می‌دهد.

۴. سبد پروژه‌های راهبردی، معماری همکاری‌های فراگیر

این اعتبار هزار میلیارد دلاری می‌تواند صرف پروژه‌هایی شود که امنیت و توسعه پایدار دو کشور را به هم گره بزند. در ادامه به محورهای کلیدی بر اساس معماری قواعد در دو کشور اشاره می‌شود:

الف) کریدور انرژی و هاب برق پایدار

عراق با بحران مزمن کمبود برق مواجه است و سالانه میلیاردها دلار برای واردات گاز و برق هزینه می‌کند. به‌جای صادرات صرف، می‌توان با استفاده از این اعتبار، نیروگاه‌های متعدد و متنوع در استان‌های مرزی ایران احداث کرد:

نیروگاه‌های سیکل ترکیبی با بهره‌وری بالا، ضمن افزایش راندمان نیروگاه‌های موجود و کاهش مصرف گاز داخلی، می‌توانند ضمن رفع ناترازی داخلی، برق پایدار و با قیمت رقابتی را به شبکه عراق تزریق کنند. نیروگاه‌های خورشیدی و بادی در مناطق کویری و بادخیز غرب کشور، به تنوع‌بخشی به سبد انرژی و کاهش آلاینده‌گی کمک کرده و برق پاک را در ساعات اوج مصرف در اختیار عراق قرار می‌دهند. نیروگاه‌های برق‌آبی کوچک‌مقیاس در غرب کشور، ضمن استفاده از پتانسیل‌های آبی بلااستفاده، به مدیریت سیلاب و تولید انرژی تجدیدپذیر یاری می‌رسانند.

این طرح ضمن تأمین کامل برق پایدار برای غرب کشور و ایجاد هزاران شغل، مازاد تولید را به شبکه سراسری عراق تزریق می‌کند. این مدل، امنیت انرژی عراق را به ثبات و همکاری با ایران وابسته کرده و یک اهرم راهبردی قدرتمند ایجاد می‌نماید. توافقات اخیر بین وزرای نفت دو کشور برای انتقال گازهای همراه از میادین مشترک به ایران و استفاده از آن به‌عنوان خوراک پالایشگاه‌ها، گامی عملی در این مسیر است.

ب) کریدور لجستیک و ترانزیت (اتصال عنکبوتی ریلی)

این اعتبار می‌تواند شتاب‌دهنده اصلی تکمیل کریدورهای لجستیک باشد. پروژه‌های کلیدی عبارتند از:

اتصال ریلی شلمچه-بصره: این پروژه که در سپتامبر ۲۰۲۳ با حضور نخست‌وزیر عراق و معاون اول رئیس‌جمهور ایران کلنگ‌زنی شد، به طول ۳۲ کیلومتر، شلمچه را به بصره متصل می‌کند. (اتصال آن از طریق کویت که مسافت کمی دارد می‌تواند به شبکه ریلی همه کشورهای خلیج فارس حتی شهرهای مکه و مدینه متصل شود) این مسیر بخشی از پروژه عظیم راه توسعه عراق به ارزش ۱۷ میلیارد دلار است که یک کریدور ۱۲۰۰ کیلومتری ریلی-جاده‌ای از بصره تا مرز ترکیه ایجاد می‌کند. تکمیل این اتصال، ضمن تسهیل تردد سالانه میلیون‌ها زائر، عراق را به شبکه ریلی ایران و از آن طریق به کریدور شمال-جنوب (INSTC) متصل می‌سازد که ۴۰ درصد کوتاه‌تر و ۳۰ درصد ارزان‌تر از مسیرهای سنتی است.

اتصال ریلی خسروی-خانقین-بغداد: این مسیر که در توافقات اخیر بین دو کشور مورد تأکید قرار گرفته، دسترسی عراق به شبکه ریلی ایران و از آن طریق به بنادر خلیج فارس را فراهم می‌سازد. پایانه مرزی خسروی در استان کرمانشاه، یکی از مهم‌ترین معابر تجاری ایران و عراق است که بیش از ۵۰ درصد صادرات کالاهای ایران به عراق از این مسیر انجام می‌شود.

اتصال ریلی مریوان-سلیمانیه-اربیل: مطالعه امکان‌سنجی این مسیر نشان می‌دهد که احداث خط آهن از مریوان به سلیمانیه و سپس اربیل، ضمن تقویت وابستگی منطقه کردستان عراق به زیرساخت‌های ایران، جایگاه ژئوپلیتیکی ایران را در رقابت با ترکیه ارتقا می‌بخشد. این مسیر به‌عنوان یک کریدور امن و سریع‌الاجرا شناخته شده است و ایجاد یک پایانه بین‌المللی تبادل کالا و مسافر در مرز باشماق-پنجوین، می‌تواند به ایجاد منطقه آزاد تجاری مشترک منجر شود.

ترانزیت زائران حج به عربستان: اتصال ریلی ایران و عراق، زمینه‌ساز ترانزیت زمینی زائران حج از طریق عراق به واسطه کویت متصل به مسیر ریلی عربستان می‌شود. بر اساس برنامه‌ریزی‌های انجام‌شده، همپنج زائران ایرانی با استفاده از ظرفیت ریلی و اتوبوس‌ها، از طریق عراق به مرز عراق و عربستان منتقل شده و از آنجا با پرواز به مدینه اعزام می‌شوند. این مسیر ترکیبی هوایی-ریلی - زمینی، ضمن تسهیل تردد زائران، گشایش اقتصادی قابل توجهی برای هر دو کشور به‌همراه خواهد داشت و می‌تواند به‌عنوان یک کریدور دائمی برای تردد زائران و گردشگران مذهبی بین ایران، عراق و عربستان توسعه یابد. مقامات راه‌آهن ایران، اتصال مجدد خطوط ریلی ایران و عربستان را یک فرصت تاریخی برای رشد اقتصادی و گردشگری مذهبی دانسته‌اند.

ج) دهکده‌های لجستیک و توریسم درمانی در پایانه‌های مرزی مشترک

با توجه به ظرفیت‌های عظیم تردد زائران و تجارت مرزی، ایجاد دهکده‌های لجستیک و توریسم درمانی با حمایت از بخش خصوصی مثل تامین زمین رایگان و تسهیلات در شش پایانه مرزی مشترک، ضمن ارائه خدمات با بیمه به هموطنان شهرهای مرزی، یکی از محورهای کلیدی سرمایه‌گذاری از محل غرامت است:

پایانه مرزی شلمچه (استان خوزستان): شلمچه که در فاصله ۱۵ کیلومتری خرمشهر و ۲۰ کیلومتری بصره قرار دارد، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین معابر تجاری و زیارتی ایران، مورد توجه ویژه مسئولان اقتصادی دو

کشور است. ایجاد بازارچه مشترک مرزی، تجهیز گمرک به دستگاه‌های پیشرفته بازرسی و توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل ریلی، جاده‌ای، دریایی و هوایی در این منطقه، می‌تواند شلمچه را به یک قطب اقتصادی مهم برای ایران در غرب آسیا تبدیل کند. موافقت‌نامه سه‌جانبه بین استانداری خوزستان، منطقه آزاد اروند و طرف عراقی برای تسهیل تجارت، صدور الکترونیکی اظهارنامه و عبور وسایل نقلیه ترانزیتی، گامی عملی در این مسیر است.

پایانه مرزی مهران (استان ایلام): مهران به‌عنوان اصلی‌ترین مسیر تردد زائران اربعین، نیازمند توسعه زیرساخت‌های اقامتی، درمانی و لجستیکی است. ایجاد شهرک‌های سلامت و مراکز درمانی تخصصی در این پایانه، می‌تواند ضمن خدمت‌رسانی به زائران که حجم بیشتری را نسبت به مرزهای دیگر به خود اختصاص داده، به منبع درآمد پایدار تبدیل شود.

پایانه مرزی خسروی (استان کرمانشاه): این پایانه با سابقه طولانی در تجارت دوجانبه، ظرفیت تبدیل شدن به یک هاب لجستیکی منطقه‌ای را دارد. توسعه انبارها، سردخانه‌ها و مراکز بسته‌بندی، ضمن تسهیل صادرات کالاهای ایرانی، به ایجاد اشتغال پایدار در منطقه کمک می‌کند.

پایانه مرزی چزابه (استان خوزستان): این پایانه با نزدیکی به میادین نفتی و تأسیسات صنعتی، ظرفیت ویژه‌ای برای توسعه دهکده لجستیک، ایجاد مخازن نفت و مشتقات نفتی و صنایع پایبندستی نفت و گاز دارد.

پایانه مرزی تمرچین (استان آذربایجان غربی) و باشماق (استان کردستان): این پایانه‌ها دارای طبیعت بکر و خوش آب و هوا ضمن جذابیت توریسم از دو کشور با اتصال به شبکه ریلی مریوان-سلیمانیه-اربیل، می‌توانند نقش کلیدی در ترانزیت کالا بین ایران و منطقه کردستان عراق ایفا کنند. ایجاد پایانه تبادل بین‌المللی کالا و مسافر در باشماق، ضمن رونق اقتصادی مناطق مرزی، به تثبیت امنیت پایدار کمک می‌کند.

در تمامی این پایانه‌ها، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های توریسم درمانی از جمله احداث کلینیک‌های تخصصی، مراکز توانبخشی و مجتمع‌های اقامتی-درمانی، می‌تواند با استفاده از ظرفیت بالای گردشگری سلامت در ایران، به منبع درآمد ارزی پایدار تبدیل شود.

د) تکمیل زنجیره ارزش نفت و گاز و بهره‌برداری از میادین مشترک

عراق نفت خام صادر می‌کند و ارزش افزوده را از دست می‌دهد، ایران ظرفیت پالایشی بالایی در تولید بنزین که نیاز شدید دو کشور هست دارد. با سرمایه‌گذاری از محل اعتبار غرامت می‌توان پالایشگاه‌های مشترک و پتروپالایشگاه‌هایی در مناطق مرزی احداث کرد.

میادین مشترک نفتی به‌عنوان منبع تأمین غرامت: یکی از راهکارهای عملی برای تأمین غرامت، استفاده از سهم ایران از تولید میادین مشترک نفتی و گازی است. میدان آزادگان با ۳۲ میلیارد بشکه نفت، یکی از بزرگترین میادین نفتی جهان است که بین ایران و عراق مشترک است. میدان آذر در استان ایلام با ۲/۵ میلیارد بشکه نفت، به میدان بدره عراق متصل است. توسعه این میادین توسط شرکت‌های داخلی و واگذاری سهم ایران از تولید به‌عنوان غرامت، می‌تواند الگویی عملی و برد-برد باشد.

انتقال گازهای همراه و ایجاد مخازن مشترک: بر اساس تفاهمنامه‌های اخیر، عراق آمادگی دارد گازهای همراه میادین مشترک را به ایران منتقل کند تا به‌عنوان خوراک واحدهای NGL (مایع‌سازی گاز طبیعی) در غرب کشور مورد استفاده قرار گیرد. همچنین ایجاد مخازن و ذخایر مشترک نفت و گاز و مشتقات نفتی در مناطق مرزی و اتصال آن به خطوط انتقال ایران، ضمن ایجاد کریدور، تأمین امنیت انرژی، به مدیریت بازار و کاهش وابستگی به واردات کمک می‌کند.

تکمیل زنجیره ارزش: احداث پالایشگاه‌های مشترک و پتروپالایشگاه‌ها با سرمایه‌گذاری از محل غرامت، ضمن جلوگیری از خام‌فروشی و کاهش وابستگی دو کشور به درآمدهای صرفاً نفتی، حضور شرکت‌های غربی مانند اکسون موبیل و شورون را در صنایع نفت عراق کمرنگ ساخته و به‌تدریج سلطه آمریکا را جایگزین می‌کند.

ه) مراکز علمی، پژوهشی و پروژه‌های توسعه علمی عراق

با توجه به پیشرفت علمی کشور در حوزه‌های نفت، گاز، پتروشیمی، انرژی‌های تجدیدپذیر، مهندسی پزشکی و کشاورزی، بخشی از غرامت می‌تواند به ایجاد مراکز علمی و پژوهشی مشترک اختصاص یابد:

- انتقال تکنولوژی، تأسیس دانشگاه‌های تخصصی مشترک در رشته‌های مهندسی نفت، انرژی، حمل و نقل ریلی، لجستیک و کشاورزی در شهرهای مرزی دو کشور
- ایجاد پژوهشکده‌های مشترک برای حل مسائل فنی صنعت نفت و گاز عراق و همچنین توسعه روش‌های نوین کشاورزی و دامپروری با تکیه بر توانمندی‌های علمی ایران
- تعریف پروژه‌های پژوهشی کاربردی با هدف بومی‌سازی فناوری‌های مورد نیاز عراق در حوزه‌های انرژی، آب، کشاورزی، دامپروری و بهداشت
- برنامه‌های تبادل استاد و دانشجو و آموزش نیروی انسانی متخصص عراقی در مراکز علمی ایران

این اقدامات، ضمن انتقال دانش فنی به عراق، زمینه‌ساز همکاری‌های علمی پایدار و کاهش وابستگی این کشور به شرکت‌های غربی می‌شود و بخشی از غرامت را به صورت غیرنقدی و در قالب سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی محقق می‌سازد.

(و) توسعه کشاورزی، دامداری و دامپروری در استان‌های مرزی و کشت فراسرزمینی

یکی از ظرفیت‌های مغفول‌مانده در همکاری‌های ایران و عراق، بخش کشاورزی و دامپروری است. عراق با وجود اراضی حاصل خیز فراوان در حاشیه رودخانه‌های دجله و فرات، به دلیل ضعف مدیریت مزرعه و کمبود تکنولوژی، بهره‌وری پایینی دارد. از سوی دیگر، ایران با چالش جدی کم‌آبی مواجه است و کشت فراسرزمینی را به عنوان راهکاری برای تأمین امنیت غذایی در دستور کار قرار داده است. این هم‌افزایی، بستری ایده‌آل برای سرمایه‌گذاری از محل غرامت فراهم می‌آورد:

اجاره زمین و کشت فراسرزمینی: بر اساس گزارش سازمان توسعه تجارت، برخی شرکت‌های ایرانی هم‌اکنون در استان واسط عراق زمین اجاره کرده و به کشت محصولات کشاورزی مشغول هستند و دولت عراق نیز برای جذب سرمایه‌گذار خارجی از این امر استقبال کرده است. وزارت جهاد کشاورزی نیز با هدف ارزیابی فنی و امکان‌سنجی توسعه کشت فراسرزمینی، هیأتی را به عراق اعزام کرده است. با استفاده از اعتبار غرامت، می‌توان این همکاری را به صورت گسترده و سازمان‌یافته توسعه داد:

- اجاره بلندمدت زمین‌های کشاورزی در استان‌های واسط، میسان، دیاله و بصره برای کشت محصولات اساسی مانند گندم، جو، ذرت، کلزا و دانه‌های روغنی
- کشت محصولات راهبردی با هدف تأمین امنیت غذایی ایران و کاهش وابستگی به واردات. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که کشت فراسرزمینی گندم، جو و کلزا می‌تواند به ترتیب ۱۴، ۵ و ۴ درصد از سهم واردات این محصولات را کاهش دهد و حدود ۱/۹ میلیارد مترمکعب در مصرف منابع آبی کشور صرفه‌جویی کند
- تولید نهاده‌های دامی مانند ذرت و سویا که وابستگی ایران به واردات آنها به شدت افزایش یافته و ارزش ریالی واردات هر تن از این محصولات در سال‌های اخیر بیش از ۴۰۰ درصد رشد داشته است

دامداری و دامپروری مشترک: عراق با داشتن مراتع وسیع و ظرفیت‌های بالای دامپروری، می‌تواند به عنوان پایگاهی برای تولید دام و فرآورده‌های لبنی و گوشتی با سرمایه‌گذاری ایران عمل کند. ایجاد دامداری‌های صنعتی مشترک در استان‌های مرزی دو کشور، ضمن تأمین نیازهای داخلی، به صادرات محصولات دامی به کشورهای منطقه کمک می‌کند. همچنین می‌توان ایستگاه‌های اصلاح نژاد دام و طیور و مراکز تولید خوراک دام و طیور را با بهره‌گیری از ظرفیت‌های علمی و فنی ایران در عراق احداث کرد.

کشت محصولات کالاهای اساسی و نهاده‌های دامی: بخش قابل توجهی از غرامت می‌تواند به تأسیس مزارع نمونه و مکانیزه برای کشت محصولات اساسی و تولید نهاده‌های دامی اختصاص یابد. این مزارع ضمن انتقال تکنولوژی به کشاورزان عراقی، به افزایش بهره‌وری و کاهش هزینه‌های تولید کمک می‌کنند. دولت عراق نیز برای تشویق سرمایه‌گذاران خارجی، تسهیلات ویژه‌ای در نظر گرفته است.

معماری همکاری کشاورزی: مدل پیشنهادی برای این همکاری شامل تشکیل کنسرسیوم کشاورزی ایران و عراق با مشارکت بخش خصوصی و تعاونی‌های مرزی است. این کنسرسیوم می‌تواند مسئولیت اجاره زمین، تأمین نهاده‌ها، مدیریت مزارع و بازاریابی محصولات را بر عهده گیرد. همچنین ایجاد صندوق توسعه کشاورزی مشترک از محل غرامت، امکان سرمایه‌گذاری پایدار در زیرساخت‌های آبیاری مدرن، سیلوا، سردخانه‌ها و کارخانه‌های فرآوری محصولات کشاورزی را فراهم می‌آورد.

مزیت‌های راهبردی: این همکاری، علاوه بر تأمین امنیت غذایی ایران و کاهش وابستگی به واردات، به اشتغال‌زایی در مناطق مرزی هر دو کشور، کاهش مهاجرت روستاییان، و افزایش درآمد مرزنشینان کمک می‌کند. همچنین با درهم‌تنیدن منافع اقتصادی کشاورزان و دامداران دو کشور، امنیت پایدار مرزها از طریق اقتصاد تأمین می‌شود. تحقق این همکاری، می‌تواند الگویی برای سایر کشورهای منطقه در زمینه همکاری‌های کشاورزی فرامرزی و تأمین امنیت غذایی مشترک باشد.

۵. مدل اقتصاد مردم‌بنیاد، بنیادهای تعاون و نقش مرزنشینان

پروژه‌های فوق تنها در صورتی پایدار و تأثیرگذار خواهند بود که از مدل دولت-به-دولت فراتر روند و به سطح مردم نفوذ کنند. مدل پیشنهادی اقتصاد مردم‌بنیاد در قالب دو بنیاد تعاون مجزا، اما هماهنگ، در ایران و عراق طراحی می‌شود:

بنیاد تعاون مرزی ایران

- تشکیل تعاونی‌های مرزنشینان در استان‌های خوزستان، ایلام، کرمانشاه و کردستان برای مشارکت در مدیریت دهکده‌های لجستیک، شهرک‌های صنعتی و مزارع کشاورزی مشترک
- واگذاری سهام پروژه‌های انرژی، ترانزیت، گردشگری و کشاورزی به تعاونی‌های محلی
- آموزش و توانمندسازی مرزنشینان برای ورود به زنجیره تأمین، خدمات لجستیک، گردشگری سلامت و کشاورزی مدرن
- مدیریت صندوق‌های توسعه محلی از محل درآمدهای حاصل از پروژه‌ها
- ارائه آموزش‌های مهارتی فنی و حرفه‌ای، موسسات و مدارس غیر انتفاعی

بنیاد تعاون مرزی عراق

- تشکیل تعاونی‌های مرزنشینان در استان‌های بصره، میسان، دیاله و نینوا
- مشارکت در اجرای پروژه‌های زیربنایی و کشاورزی با تأمین نیروی کار محلی
- دریافت سهام در پروژه‌های انرژی، پتروشیمی، گردشگری و کشاورزی مشترک
- مدیریت بازارچه‌های مرزی و تسهیل تجارت دوجانبه

- هماهنگی با بنیاد تعاون ایران برای اجرای پروژه‌های مشترک

کمیسیون مشترک تعاون مرزی دو کشور

- نظارت بر اجرای پروژه‌های مشترک و اطمینان از رعایت حقوق هر دو طرف
- حل و فصل اختلافات احتمالی بین تعاونی‌های دو کشور
- تبادل تجربیات و آموزش نیروی انسانی
- گزارش‌دهی به دولت‌های دو کشور درباره پیشرفت پروژه‌ها و تأثیرات اقتصادی-اجتماعی

بازدارندگی اقتصادی: وقتی منافع اقتصادی مرزنشینان دو کشور به هم گره بخورد و هر یک از طرفین بدانند که اخلاف در امنیت مرزها، به زیان مستقیم اقتصادی آنها تمام می‌شود، امنیت مرزها نه با نیروی نظامی صرف، بلکه با اقتصاد تأمین می‌شود. پژوهش‌های راهبردی نشان می‌دهد که موقعیت مناطق مرزی استان ایلام در ناحیه تهاجمی قرار دارد و راهبردهای اولویت‌دار شامل توسعه صادرات، افزایش سرمایه‌گذاری در بخش‌های کشاورزی، دامپروری و بهره‌برداری از میادین مشترک است. این الگو می‌تواند به عنوان مدلی موفق و الهام‌بخش برای سایر مناطق مرزی در جهان اسلام و حتی فراتر از آن، در حل منازعات مرزی و تبدیل مرزها از خطوط تنش به محورهای همکاری و توسعه، مورد استفاده قرار گیرد.

۶. معماری بازدارندگی، غرامت به مثابه سلاح نرم

غرامت هزار میلیارد دلاری را نباید صرفاً یک مطالبه مالی دید. این رقم یک اهرم دائمی در روابط ایران و عراق و الگویی برای سایر پرونده‌های حقوقی ایران است:

- ایجاد رویه حقوقی: موفقیت در طرح دعوی غرامت، به معنای ایجاد یک سابقه حقوقی و رویه قضایی است که می‌تواند در سایر پرونده‌های حقوقی ایران به عنوان ابزاری برای فشار و بازدارندگی استفاده شود. این رویه، هزینه تجاوز به ایران را برای هر بازیگری در منطقه و فرامنطقه به وضوح مشخص می‌کند.
- اهرم مذاکره‌ای: تا زمانی که پرونده غرامت باز است، عراق در هر مذاکره‌ای با ایران در موضع ضعیف‌تری قرار دارد. این پرونده می‌تواند هر زمان که روابط تیره شد، فعال‌تر شده و هر زمان که همکاری عمیق‌تر شد، به عنوان تخفیف در ازای مشارکت به کار رود.

- پیامدهای رسانه‌ای و بازدارندگی: انعکاس این مطالبه در رسانه‌های معتبر جهان، پیام‌های متعددی را به همراه خواهد داشت: تأکید بر حق‌خواهی و عدم مصالحه در برابر تجاوز، آگاهی‌بخشی به افکار عمومی جهان نسبت به خسارات جبران‌ناپذیر جنگ تحمیلی، و هشدار به بازیگران منطقه‌ای که هرگونه اقدام ماجراجویانه علیه ایران با هزینه‌های حقوقی و مالی سنگین همراه خواهد بود.

۷. جمع‌بندی و فراخوان؛ از مصلحت به مطالبه عمومی

تبدیل غرامت جنگی به موتور محرکه اقتصاد مردم‌بنیاد و شراکت راهبردی، یک بازی برد-برد است که در آن، مردم ایران به حق تاریخی خود می‌رسند و از مواهب توسعه زیرساختی بهره‌مند می‌شوند. مردم عراق نیز از فشار پرداخت نقدی رها شده و از توسعه زیرساخت‌های حیاتی در کشور خود نفع می‌برند. منطقه نیز با کاهش نفوذ بازیگران فرامنطقه‌ای و شکل‌گیری بلوک اقتصادی مستقل، به ثبات پایدار دست می‌یابد.

خلاصه معماری قواعد همکاری در دو کشور

کریدور انرژی: اتصال شبکه‌های برق و گاز، احداث نیروگاه‌های متنوع در مرزهای ایران، صادرات مازاد برق به عراق، ایجاد مخازن ذخیره منابع انرژی

کریدور لجستیک: تکمیل اتصالات ریلی شلمچه-بصره، خسروی-بغداد و مریوان-اربیل، ایجاد پایانه‌های تبادل کالا

کریدور تجارت: توسعه دهکده‌های لجستیک در ۶ پایانه مرزی، ایجاد بازارچه‌های مشترک، تسهیل گمرکی

کریدور زیارتی و توریسم: توسعه زیرساخت‌های اقامتی و درمانی در مسیرهای زیارتی، شهرک‌های سلامت

کریدور علمی: تأسیس دانشگاه‌ها، موسسات علمی، مدارس غیر انتفاعی و پژوهشکده‌های مشترک، تبادل استاد و دانشجو، پروژه‌های پژوهشی

میادین مشترک: توسعه یکپارچه میادین آزادگان، آذر، بدره و مجنون، تقسیم سود به‌عنوان غرامت

کشاورزی و دامپروری: اجاره زمین، کشت فراسرزمینی محصولات اساسی، تولید نهاده‌های دامی، دامداری صنعتی مشترک

تکلیف نخبگان و رسانه‌ها

مطالبه غرامت، یک پروژه ملی و فراجناحی است. اساتید دانشگاه، پژوهشگران، رسانه‌ها و تربیون‌داران وظیفه دارند این موضوع را از یک پرونده خاک‌خورده حقوقی به یک مطالبه عمومی و راهبردی تبدیل کنند. باید برای افکار عمومی تبیین شود که:

- غرامت هزار میلیارد دلاری یک عدد تثبیت‌شده در اسناد حقوقی بین‌المللی است که بر اساس گزارش رسمی دبیرکل سازمان ملل و برآورد کارشناسان حقوق بین‌الملل به‌دست آمده است.
- این مطالبه نه اقدامی تلافی‌جویانه، بلکه هوشمندانه‌ترین مسیر برای ساختن آینده‌ای امن و مرفه در کنار همسایه‌ای است که سرنوشت‌مان با آن گره خورده است.
- تحقق این پرونده، راه را برای سایر پرونده‌های حقوقی ایران باز می‌کند و یک رویه قضایی و بازدارندگی پایدار ایجاد می‌نماید.
- پروژه‌های مشترک از جمله کشت فراسرزمینی، تولید نهاده‌های دامی، احداث نیروگاه‌ها و دهکده‌های لجستیک با مشارکت مرزنشینان و بنیادهای تعاون، ضمن تأمین منافع اقتصادی دو کشور، امنیت پایدار مرزها را با اقتصاد تأمین می‌کند و الگویی موفق برای جهان اسلام در تبدیل مرزها از خطوط تنش به محورهای همکاری و توسعه ارائه می‌دهد.

وقت آن است که با یک ابتکار عمل تاریخی، حساب کار را به دست جریانات مخالف منافع ملی در منطقه و فرامنطقه بیاوریم و نشان دهیم که انتقام راهبردی ما، در ساختن، هم‌افزایی و احیای حقوق تضییع‌شده تعریف می‌شود. دیپلماسی التماسی باید جای خود را به لجستیک تهاجمی و اقتصاد مقاومتی فعال تهاجمی بدهد، اقتصادی که از پایین ساخته می‌شود، نه از بالا تحمیل گردد، اقتصادی که مرزنشینان دو کشور را به هم گره می‌زند و الگویی برای جهان اسلام در تبدیل مرزها از خطوط تنش به محورهای همکاری و توسعه می‌شود.